



۱۸ درصد مدارس نایمن اند

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، درباره میزان مقاومت مدارس کشور گفت: «در رزله بهم، مدارس استاندارد در برابر زلزله مقاوم ماندند، نهضت مقاومسازی آغاز شد؛ ۶۵ درصد مدارس نایمن بودند اما اکنون ۱۸ درصد مدارس نایمن هستند.» به گزارش ایسنا، حمیدرضا خان محمدی، از ساخت ۱۰۵ هزار مدرسه توسط این سازمان خبر داد و گفت: «۲۰۲۰ طرح آموزشی با ظرفیت ۲۹ هزار کلاس درس در مهرماه امسال افتتاح شد ازاین رو، در مهرماه امسال چالش جدی برای فضا و مدرسه نداشتیم.» براساس اعلام او، سرانه ۱/۵ مترمربع به ازای هر دانش آموز به ۵/۸ مترمربع با وجود رشد در تعداد دانش آموزان، تبدیل شده است.



جمع آوری ژنتیک خبرنگاران و آتش نشانان

سازمان پزشکی قانونی در نظر دارد، ژنتیک افراد با مشاغل پرخطر را جمع آوری کند. به گزارش خبرنگاران، عباس مسجدی، رئیس سازمان پزشکی قانونی به تسنیم گفت: «افراد دارای مشاغل پرخطر مانند خبرنگاران، آتش نشانان، کادر پرواز، نیروهای مسلح، جنگل یانان، کارگران معادن و... از گروه های هدف این طرح هستند.» او با اعلام اینکه قرار است این کار به صورت گسترده در کل کشور انجام شود، افزود: «مقامات عالی رتبه کشوری، افراد دارای مشاغل پرخطر چون آتش نشانان، کادر پرواز، نیروهای مسلح، جنگل یانان، کارگران معادن، خبرنگاران و افرادی که در صحنه های پرخطر حضور دارند، از گروه های هدف این طرح هستند.» به گفته او، نمونه گیری از کادر پروازی کشور آغاز شده است: «از طرف ما به عنوان سازمان پزشکی قانونی، مشکلی برای جمع آوری ژنتیک خبرنگاران وجود ندارد؛ چراکه تجهیزات آزمایشی و کیت های مورد نیاز را در اختیار داریم.»



بلیت برج میلاد گران می شود

باموافقت اعضای شورای شهر تهران، بلیت بازدید از برج میلاد در سال ۱۴۰۳ افزایش پیدا کرد. عباس حیدری، مدیرعامل شرکت برج میلاد گفت: «قیمت بلیت برج میلاد در سال ۱۴۰۲ برای سکوی دید باز ۸ هزار تومان و کل طبقات ۱۲ هزار تومان بود که با مصوبه شورای شهر تهران در سال ۱۴۰۳، قیمت بلیت سکوی دید باز به ۱۰ هزار تومان و کل طبقات به ۱۸ هزار تومان افزایش پیدا کرد. همچنین بلیت کل طبقات نیز به همراه گنبد آسمان در سال آینده ۳۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است.» او افزود: «به این ترتیب برای سال ۱۴۰۳، حدود ۲۵ درصد افزایش در بلیت بازدید از سکوی دید باز و ۵۰ درصد افزایش برای سایر طبقات پیش بینی شده است و طبقه گنبد آسمان نیز برای اولین بار ۳۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است.» براساس اعلام او، این مجموعه در اختیار بهره بردار است و نرخ آن توسط اتحادیه صورت می گیرد. درواقع شهرداری تهران مکان را اجاره و دستگاه های نظارتی بر نرخ های آن نظارت می کنند. براساس اعلام حیدری، برای فعالان حوزه گردشگری ۳۰ درصد، خانواده شهرداری تهران، خبرنگاران و فعالان ورزشی ۵۰ درصد، دانشجویان و دانش آموزان ۵۰ درصد، اینترگران و جانبازان بدون محدودیت افراد خانواده و مددجویان پهن رستی و کمیته امداد ۵۰ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است.

ناامید از ماندن

نخبگان درگفت وگو با هم میهن از دلایل یا قصدشان برای مهاجرت می گویند؛ کارشناسان هم می گویند که با رفتارهای پلیسی نمی توان این افراد را مجبور به ماندن کرد

عکس: امیر جدیدی

▼ تحمل سخت بود

«ریحانه» حدود ۶ سال است که همراه همسرش به کانادا مهاجرت کرده. او در گفت وگو با هم میهن تاکید می کند که از این تصمیم خود بسیار راضی است: «در حال حاضر در یکی از دانشگاه های کانادا در مقطع PHD رشته عمران، گرایش ژئوتکنیک، درس می خوانم. دوره کارشناسی خود را در دانشگاه شریف و مقطع کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران گذراندم و رتبه اول گرایش تحصیلی ام بودم. در ایران به این دلیل که جزو استعداد های درخشان بودم، با معدل ۱۸/۸۰ بدون کنکور وارد مقطع دکتری شدم.»

ریحانه به عنوان یکی از دانشجویان نخبه ای که قاعدتاً باید او را خوش آتیه دانست اما حالا از ناامیدی و رنج هایی که در آن دوره داشت، می گوید: «حقوق خیلی پایین بود و هر ۵ ماه یکبار پرداخت می شد؛ موضوعی که با سطح دانش، میزان تلاش و البته آرزوهایم برای زندگی در یک شرایط نرمال و آرام، همخوانی نداشت. این بی پولی حتی بر وضعیت ظاهری ام هم تاثیر گذاشته بود و همه متوجه می شدند که شرایط مالی خوبی ندارم. تاجایی که حتی نسبت به دانشجویان هم حس بدی پیدا کردم. همه این موارد باعث شد که تحمل و ادامه شرایط برایم سخت شده و تصمیم بگیرم همراه با همسر از ایران مهاجرت کنم. فکر می کنم اگر در ایران مانده بودیم، همچنان باید دستمزدهای پایین و زندگی سختی را تحمل می کردیم. بعد از مهاجرت شرایط اقتصادی مان بسیار بهتر شد و دیگر از اعصاب خردی های ناشی از مشکلات معیشتی خبری نیست.» ریحانه در ادامه حرف هایش می گوید: «باتوجه به دغدغه ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ایران حتی فکر بچهار شدن هم برایم سخت بود. چه آینده ای می توانستم برای او فراهم کنم؟ در اینجا اما توانستم با خیالی آسوده بچهار شوم، زیرا همه زمانم صرف کار و مسیرهای پرتراфик نمی شود و وقت کافی برای رسیدگی به فرزندم دارم. به عنوان دانشجوی مقطع دکتری دستمزد مشخص و مناسبی می گیرم و نیاز نیست به صورت جادگانه کار کنم. همسر هم شغل مناسبی پیدا کرده. اینجا رفتارها، محترمانه است اما در ایران، شرایط اینگونه نیست. هر لحظه و هر جایی، ممکن است مورد بی احترامی قرار بگیرم. اگر زن باشی هم توهین ها بیشتر است. اگر مقابل مهاجرت می رایی، گرفتند، قطعاً راهی برای خروج قانونی از کشور پیدا می کردم.»

▼ برای آرایش روان

سهراب، فوق لیسانس مهندسی عمران دارد و تاکنون دو مقاله «ISI» و ۵ مقاله «ISC» نوشته است. برای کسب کسری سربازی با بنیاد ملی نخبگان ارتباط می گیرد. پیش از پایان دوره کارشناسی ارشد از طرف بنیاد دو پروژه به او محول می شود؛ پروژه هایی که با موفقیت انجام می دهد، نمره قبولی را از بنیاد می گیرد و به این ترتیب موفق به کسب کسری سربازی می شود. او ۹ سال هم در حوزه تخصصی اش فعالیت کرده اما تحریم ها باعث خوابیدن بازار ساخت وساز مسکن شد و نتوانست کارش را ادامه دهد. سهراب امروز مسیر شغلی دیگری را در پیش گرفته: «درآمد کاری که دارم، آنقدر کم است که یک هفته هم دوام نمی آورد. درآمد جانبی ام که از طریق فعالیت در فضای مجازی به دست می آورم، نسبتاً خوب است. اما اگر ازدواج کنم این درآمد برای زندگی منتهای به شدت ناچیز و نامناسب است.» سهراب نهایتاً ۴ سال پیش از یکی از دانشگاه های آلمان پذیرش گرفت اما به دلیل شیوع کرونا پروژه مهاجرتش شکست خورد: «تصمیم من برای مهاجرت همچنان جدی است. در ایران سرعت پیشرفت با کندی و تاخیر زیادی

گزارش مهاجرت



مواجه است. نتیجه لازم را از تلاش هایم نگرفته ام. اگر به فکر رفتن هستم، به دلیل نگرانی شدید از آینده است و باتوجه به شرایط موجود در جامعه، نمی توانم آن را روشن تصور کنم. دنبال زندگی لاکچری در خارج از ایران نیستم، آرایش روانی برایم مهم تر است که اینجا و در این کشور پیدا نمی شود. می دانم که در آنجا از زندگی طبیعی و رفاه اجتماعی نسبی بر خوردار خواهم بود. به هر حال مهاجرت یک اختیار و انتخاب است و کسی نمی تواند این حق را از کسی بگیرد.»

▼ ساختار مهاجرتی

«قصد مهاجرت ندارم اما با ساختار سیاسی مواجه ام که جوانان خود را به سوی مهاجرت سوق می دهد.» این را مظهره گونه ای می گوید؛ دانشجوی سال آخر دندانپزشکی دانشگاه تهران که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ به دلیل فعالیت های سیاسی اش در دانشگاه، برایش پرونده ای انضباطی تشکیل و در نهایت براساس حکم کمیته مرکزی وزارت بهداشت، به ۲۴ ماه تعلیق از تحصیل محکوم شد. همچنین براساس رأی صادره، پس از گذراندن ۲۴ ماه تعلیق، برای گذراندن ترم آخر به دانشگاه اردبیل تبعید می شود. او یکی از افرادی است که باتوجه به رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل، آینده ای خوش را در کنار همسرش که وضعیتی مشابه او دارد، انتظار می کشید، اما او و همسرش تنها به دلیل فعالیت سیاسی، با حکم های قضایی و انضباطی مواجه شدند. او ۷ سال پیش با رتبه ۱۱۳ کنکور معدل ۱۹/۵ دیدیم، وارد دانشگاه تهران شد و با وجود همه رنج هایی که برد، همچنان قصد مهاجرت ندارد: «زمانی که حکم اولیه من مبنی بر اخراج از دانشگاه و... صادر شد، اساتیدی که به دلیل فعالیت های سیاسی از کشور خارج شده بودند، به من و همسر هم شرایطی مشابه من داشت، پیشنهاد دادند که شرایط ادامه تحصیل مان در خارج از کشور را فراهم می کنند تا از احکام غیرمنصفانه رها شویم. در آن زمان ممنوع الخروج نبودیم، اما به دلیل وابستگی خاصی که به ایران و خانواده ام دارم، این دعوت را نپذیرفتم.» او ادامه می دهد: «به عنوان فردی که دندانپزشکی را انتخاب کرده، قصد این بود که درسم را در زمان مقرر به پایان برسانم و در دستپای رشته مورد علاقه ام در دانشگاه تهران، ادامه تحصیل دهم و حتی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شوم. اما با حکمی مواجه شدم که همه این انتظارات را تحت الشعاع خود قرار داد.» اینها را مظهره می گوید و اضافه می کند: «باتوجه به پرونده ای که دارم، در دانشگاه علوم پزشکی تهران حق ادامه تحصیل نخواهم داشت و در آینده، در آزمون دستپای هم پذیرفته نمی شوم، چه رسد به اینکه عضو هیئت علمی شوم. هر چند قصدی برای مهاجرت ندارم اما افرادی را می شناسم که با همه علاقه ای که به ایران دارند، دست به مهاجرت زده اند. رفتن از ایران با معنای دل کندن از خانه نیست، اما شرایطی که ایجاد کرده اند، این مهاجرت را ایجاب می کند. وقتی ساختار سیاسی راه زندگی را سخت می کند، افراد گاهی ناگزیر می شوند میان رفتن و ماندن، رفتن را انتخاب کنند.»



محمد اسدی

وکیل دادگستری:

اصل ۳۳ قانون اساسی صراحتاً مقرر می کند که افراد در تعیین محل اقامت خود آزاد هستند و هیچ کس نمی تواند محل اقامت اشخاص را محدود و ممنوع کرده و آنها را مجبور به اقامت در مکان مدنظر خود کند. همچنین نمی توان جلوی مهاجرت افراد را گرفت یا آنها را وادار به مهاجرت کرد

▼ توهم توطئه

محسن نگاه مبتنی بر مهاجرت سازمان یافته نخبگان را نوعی رویکرد «توهم توطئه» می داند. او دو سال پیش دست همسر و فرزندش را گرفت و راهی کشور دیگری شد. هنوز پایان کرونا اعلام نشده بود که در یکی از هتل های کانادا، دو هفته ای را در قرنطینه گذراند و بعد از آن، زندگی جدیدشان را آغاز کردند. او فارغ التحصیل دکتری مدیریت از دانشگاه تهران است و در آزمون کارشناسی ارشد هم رتبه یک را به دست آورده. به دلیل کسب رتبه یک، عضو بنیاد ملی نخبگان شد و کل سربازی اش هم به شکل انجام پروژه ای تحقیقاتی از سوی این بنیاد گذشت: «علت مهاجرت من؛ دو موضوع مهم اقتصادی و اجتماعی بود. بی ثباتی اقتصادی در ایران باعث شده بود تا با وجود داشتن شغلی مناسب، توانایی برنامه ریزی برای آینده و بهبود شرایط زندگی را نداشته باشم. از طرف دیگر ناهنجاری های اجتماعی ناشی